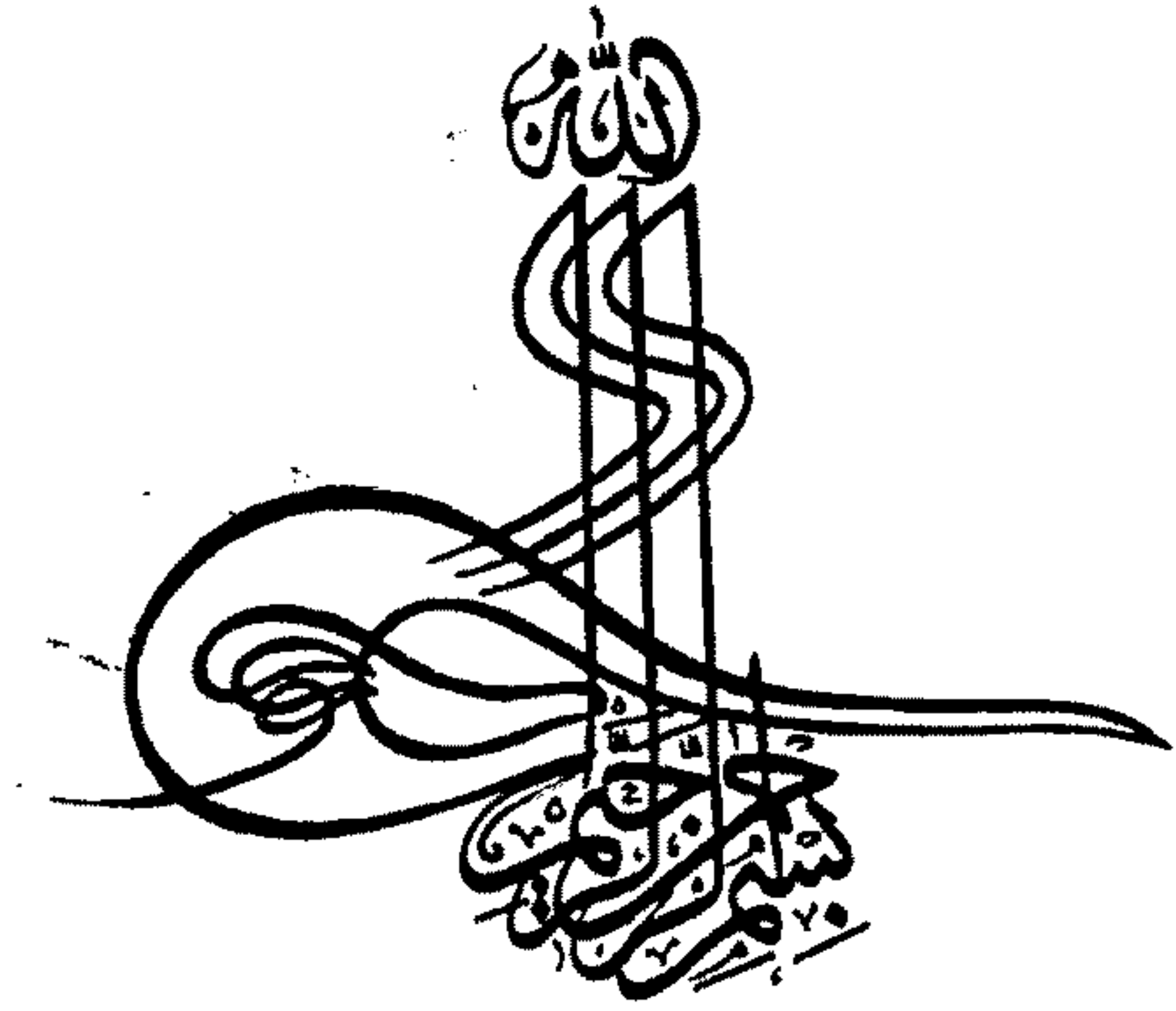




و





يا ابا صالح المهدي ادرگنی

سرود

مرکز انتشارات دارالنشر اسلام - قم

نام کتاب: یا ابا صالح المهدی ادرکنی (سرود)

تهیه و تنظیم: گل محمدی آرمان

چاپ دوم: بهار ۱۳۸۲

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قطع: جیبی

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه انتشارات دارالنشر اسلام

حروف‌نگار: خدمات کامپیوتری مبین

لیتوگرافی: کانون تبلیغات سیوند

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۱۰۶۱-۶۶۰۰۰۲۲

شماره: ۰۴۰-۴۷۵-۹۶۴

قیمت: ۲۵۰ تومان

«حق چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

«بارالها! در این هنگام و برای همیشه ولی امرت امام زمان حجة بن الحسن را
که درودهایت بر او و پدرانش باد، سرپرست و نگهدار، رهبر و یاور، رهنما و نگهبان
باش تا گیتی را به فرمان او درآوری و تا دیر زمان بهره‌مندش گردانی.»

سلام بر آل یاسین! سلام بر آل طه! سلام بر حاکمان و حافظان دین! سلام بر
حضرت مهدی موعود(عج).

با عرض سلام و آرزوی سعادت برای شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام و به نام
نامی مهر و به یاد منتظران حضرت مهدی که صدای گام‌های محبوب را می‌شنوند و
باور دارند ظهور سرورشان حضرت ولی عصر نزدیک است و بالاخره آن زمان مبارک
فرا خواهد رسید که صدای حضرت جبرئیل امین در آسمان عالم طنین‌انداز شود و
ندای «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» به گوش عالمیان رسد پس چه

خوب است همگان قبل از وقوع آن دگرگونی عظیم، اشک تضرع بر آستان خالق هستی بریزیم و ظهور هرچه سریعتر مولایمان حضرت مهدی را طلب نماییم و به ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» آن عزیز زهرا لبیک گوئیم، البته لبیکی واقعی نه لبیکی که کوفیان گفتند و با التماس دعا به منتظران و دوستداران حضرت ولی عصر(عج) باید عرض کرد:

هدف از تدوین این سرودها، علاقه مستمعین بود که تقاضای چاپ سرودهای مذکور را داشتند و همچنین این سرودها احساس صمیمانه محبان خاندان عصمت و طهارت می باشد که بر زبانها جاری می شود و ضمن یوزش از این که نام شریف شعرا ثبت نشده است البته دلیل عدم ثبت به خاطر در اختیار نداشتن نام چند نفر از ایشان بود و چندین سرود هم، از سروده های خواهرانی است که مایل نبودند نامشان ثبت شود به همین دلیل برای هماهنگ بودن متن، نام هیچ یک از افراد را ثبت نکردیم. باشد در سایه اتحاد و همدلی به یاری یکدیگر بشتابیم و برای گشودن درهای بسته بسیار دعا کنیم و قدمهای خیر برداریم و در هر لحظه از روز و شب بگوئیم:

سلام بر تو ای وعده خدا! و ای پرچم برافراشته! سلام بر تو ای کسی که مقدم بر کون و مکان هستی! و تحیت بیکران بر تو که همچون خورشید در آسمان هستی خواهی درخشید و همچون ماه خواهی تابید و این باور ما شیعیان است، بالاخره می رسد روزی که اهل عالم به ماه ما شیعیان نظاره کنند و بگویند:

ای کاش این ماه، ماه ما هم بود اگرچه تو عزیز زهرا ماه همه دنیا هستی و این زبان حال دوستان است که می خوانند:

ای ماه نمونه

اگر آن ماه نمونه، رخ خود را بنمونه

همه بت‌های جهان را «سرجاشون می‌نشونه» (۳)

یگانه تمثال علی، یا اباصالح

منتقم آل علی، یا اباصالح

امید و آمال علی، یا اباصالح (۲)

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

تویی آن آیت سرمد، تویی آن وارث احمد

که بود روز ظهورت، «فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ» (۳)

به نخل خلقت ثمری، یا اباصالح

به ظلمت شب سحری، یا اباصالح

تجلی پیامبری، یا اباصالح (۲)

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

کم ما و کرم تو، دل ما و حرم تو

به تولای وصال «سر ما و قدم تو» (۳)

دلبر و دلدار منی، یا اباصالح

تو بهترین یار منی، یا اباصالح

همیشه غمخوار منی، یا اباصالح (۲)

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

کریلا دیده به راهت، انبیا مست نگاهت

کسی شود از پس پرده «آشکار آن رخ ماهت» (۳)

بر همگان سرآمدی، یا اباصالح

آینه‌دار احمدی، یا اباصالح

حقیقت محمدی، یا اباصالح (۲)

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

ای رخ تو بهشت من، یا اباصالح

از گل تو سرشت من، یا اباصالح

عشق تو سرفروخت من، یا اباصالح (۲)

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

منم در آرزوی تو، یا اباصالح

دل اسیر کوی تو، یا اباصالح

منم به جستجوی تو، یا اباصالح (۲)

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

منجی خیل بشری، یا اباصالح

سُلاله پیامبری، یا اباصالح

عزیز جان حیدری، یا اباصالح (۲)

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

یابن زهرا! تویی سلاله پیامبر، تویی جان حیدر، تویی امید مادر.

یابن زهرا بیا! بیا که بر دل مادرت زهرا غم بسیاری هموار گشته، مادری که هم برای

امام عصر نگران است و هم برای امت خون دل می خورد، حال باید به عده‌ای از امت که با اعمال سوء خود نسبت به امام خود غفلت دارند و جفا پیشه کرده‌اند، چنین گفت:

آی مردم!

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی‌قراره

آی مردم! آی مردم! برامون مهدی طیبیه

رو لبانش، رو لبانش آیه امن یجیبه

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی‌قراره

یا زهرا! یا زهرا! برا مهدیت دعا کن

یا زهرا! یا زهرا! غم هجرش را دوا کن

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی‌قراره

آی مردم! آی مردم! بگیم با مهدی چه کردیم

با گناه و با خطاها، دل مهدی را شکستیم

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی‌قراره

وای بر ما! وای بر ما! گل زهرا رو نشناختیم

وای بر ما! وای بر ما! که او را تنها گذاشتیم

۱ - برآستی کلمات وای بر ما! وای بر ما! چه کلمات حسرت‌انگیزی است در همین رابطه یاد دارم در جلسه‌ای از جلسات از زبان خواهری از خواهران همین کلمات را شنیدم او که در بین دعا در درون خود انقلابی حس کرده بود چندین بار چنین گفت: وای بر من! وای بر من! وای بر ما! وای بر ما! آنگاه بی هوش شد وقتی به هوش آمد سؤال کردیم چرا گفتی وای بر من؟ او گفت: هیچ چیز یادم نمانده است.

او پس از چندین روز خوابی را با این مضمون و قافیه تعریف کرد و گفت:
«دیدم در عالم خواب آقای قد بلندی، دور و برش پر از نور، نورهای رنگارنگی.
دیدم او را با عمامه سیاه و با صورتی همچون ماه، بالای سرم آمد و به من کرد نگاه.
با خواهش و تمنا بلند شدم من ز جا، دامنش را بگرفتم، به او کردم من سلام.
گفتم: مولای خوبم! عزیز من، محبوبم! امشب بده به دستم، پرونده‌ام که هستم.
او پرونده‌ام را به دست چپ داد، آن را گشودم و دیدم، پرونده هست سیاه.
دیدم آقایم می‌رود، دامنش را کشیدم، با گریه و التماس از آن مولا پرسیدم.
گفتم: مولای من! سرورم! آخر کجا می‌روی؟ چرا نیایی تا که رسیم به فلاح.
راوی گوید، در این لحظه مولایم را دیدم که فرمود:

مگر ندیدی پرونده خودت را؟ پرونده شیعیان همه سیاه است سیاه!! :
جمعه به جمعه که پرونده‌ها را می‌بینم، گریه می‌کنم و بعد می‌کشم آه و هی آه.
آخر چگونه بیایم، وقتی دوستان خوبم همه هستند پر از عشق اما با کلی گناه.
چگونه شمشیرم را زخم بر شیعیان وقتی مولایم حسین شده سفینه النجاة.
من خجالت می‌کشم از روی جدم علی، کنم به صورت او، به فاطمه من نگاه.
به شیعیانم بگو: بگو برایم دعا کننده بگو شعما را به جدم علی، کم بکنید از گناه، کم بکنید از گناه.
بار دیگر دیدم مولایم اشک می‌ریزد بر رخس، هی می‌گوید: واویلا! واویلا!

در این لحظه مولای خوبم را دیدم که شروع به حرکت کردند تا بروند مولایی که بسیار ناراحت بودند همان مولایی که با یک دنیا غم با خود حرف می‌زدند و من صدای ملکوتی آن حضرت را شنیدم که با خود می‌فرمودند: ای شیعیان! کم بکنید از گناه تا که ببینید او را، تا که ببینید او را...»

آری، برآستی ای شیعیان علی! کم بکنید از گناه، تا که ببینید او را... او را که همگی دوستش داریم و برای دیدار آن سفیر بر حق لحظه شماری می‌کنیم حال چه خوب است برای دیدار ایشان به یک

مہم! مہدیمون در انتظارہ

مہم! دل مہدی بی قرارہ

مہم! دوا کن

مہم! بعد از این، به خطاکاران نگاہ کن

مہم! مہدیمون در انتظارہ

مہم! دل مہدی بی قرارہ

مہدی می آید

مہم! نگاہ مہربونش، با یہ دنیا عشق می آید

مہم! مہدیمون در انتظارہ

مہم! دل مہدی بی قرارہ

مہم! بشویم

مہم! راہ و بی قرار، در انتظارش ہموئیم

مہم! مہدیمون در انتظارہ

مہم! دل مہدی بی قرارہ

مہم! دنا نزاریم

مہم! راہ و بی قرار، در انتظارش ہمانیم

مہم! اورا تنہا نزاریم و خطاب بہ مولای انہم

د ظہور ہر میمنت ان حضرت را در سایہ اتحاد

کہ بیاید، ان شاء اللہ

اماما! اگر قدر تو را دانسته بودیم اگر عهد و وفا نشکسته بودیم دل ما خانهٔ غم‌ها
نمی‌شد، غم هجران نصیب ما نمی‌شد و این زبان حال نادمین است که می‌گویند:

زبان حال نادمین

اگر قدر تو را دانسته بودیم اگر عهد و وفا نشکسته بودیم
دل ما خانهٔ غم‌ها نمی‌شد «غم هجران، نصیب ما نمی‌شد» (۲)

سلیمان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

اگر شرط تولی کرده بودیم هر آنچه گفته مولا کرده بودیم
نمی‌شد روز ما شام سیاهی «نمی‌شد قسمت ما این تباهی» (۲)

سلیمان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

بده سوزی که از هجرت بسوزیم بده اشکی که در پایت بریزیم
بده نوری که جز نورت نبینیم «تو نزدیکی، که ما دورت نبینیم» (۲)

سلیمان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

بده عشقی که در دل جای گیرد که این افتاده از پای گیرد
بده شوقی که مشتاق تو گردیم «همه در بند مشتاق تو گردیم» (۲)

سلیمان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

بده رنجی که رنجور تو باشیم سروری ده که مسرور تو باشیم
بده چشمی که گریان تو باشد «سری ده، گوی چوگان تو باشد» (۲)

سلیماننا! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مامورت شویم ما» (۲)

آری، سلیماننا! بیا مورت شویم ما، امیری کن که مامورت شویم ما.

سلیماننا! به منتظرانت اجازه ده که گویند: گل سرخ سفیدم کی می آیی؟

کی می آیی؟

گل سرخ سفیدم کی می آیی کی می آیی؟

الا تنها امیدم کی می آیی کی می آیی؟

تو کفتی: گل درآی من می آیم

گل عالم تموم شد کی می آیی کی می آیی؟

بهار اومد، گل اومد، بلبل اومد

الا تنها گل مو کی می آیی کی می آیی؟

اماما! کی می آیی؟ که براستی حسرت دیدارت، منتظران را خسته و دل شکسته

کرده، همانان که می گویند:

حسرت دیدار

شده صبح جمعه من و تو، دل گرفتار روی ماهت شد

اسیر آن خال هاشمی و مستمند نیمه نگاهت شد

تا که آواره سوی آن باشم
بیتگر، سائل خاک خیمه گاهت شد
ما مهدی، بیابانگردم نما مهدی
یا اباصالح، یا اباصالح (۲)

من و تو، کی شود یارم از سفر آیی
من، شمع محفل من کی زدر آیی
با کرم، آشنایم کن مبتلایم کن
از غریب، می شود آیا، جلوه گر آیی
هر دردم، الهی دور سرت کردم
یا اباصالح یا اباصالح (۲)

من و تو، ای نگار دلم باوفا مهدی
عزیز تو شوم، تا دیار آل عبا مهدی
را بیری، تا ندیگاه کوثر نیلی
سای جفا، با غمت سازی آشنا مهدی
بیت ماسد، ازان گوی غربت مادر
یا اباصالح یا اباصالح (۲)

تو قربت پاک کوثر الله.

بیر غربت مهدی زهرا.

منی و منتظران آن حضرت که در انتظارند تا نجات
مان که در هر روز، هر ماه و هر سال می گویند:

یا مهدی مدد

یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد
تسولدت مبارک دست گل جیب پیش
چشم دل نور روشن «یا مهدی»
داد از غم جدایی، امید ما کن
شده تولد تو «دعا کنیم»
یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد
آقا ببین فقیرم، تو دست غم اسیرم
راضی نشو طبیبم، «تبیب»
مخور غم جدایی، دعا کنیم بیایی
شده تولد تو، «الذی فی»
یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد
آقا ببین چه خستم، سر راحت نشد
به امیدن که روزی، «بگیری»
تو مروه‌ای صفایی، تو مشعری
به درد ما دوایی، «حیات»
یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد
تو آخرین کلامی، تو آخرین پی
تو حجت خدایی «شاه»
برای دیدن تو، درخت شکوفه کن
نذر قدم‌های تو شهید، جون

یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد (۲)

یا مهدی مدد! یا مهدی! همه منتظرانت زمان را به شوق دیدار تو سپری می‌کنند
تا بیایی و ببوسند خاک زیر پایت را، پس بیا ای گل نرگس! که منتظر هستیم سر راهت.

گل نرگس

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

ای تموم عشق و مستی ای شکوه حق پرستی

از خدا چیزی نخواهم هر چه می‌خواهم تو هستی

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

ای همه عشق و امیدم عشق تو با جون خریدم

دل به تو دادم اگرچه روی ماهت را ندیدم

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

زنده از روی تو هستم بسته موی تو هستم

سربلند عالمینم سائل گوی تو هستم

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

ای همیشه غمگسارم ابرو و اعتبارم

نذر چشمهای قشنگت همه دار و ندارم

روز و شب بسا شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

تُو کویر دل می خونم زندگی بی تو حروم

چون سپردن تو قدمهات این تموم آرزویم

روز و شب بسا شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

گل نرگس! بیا و درمان باش دردمند را، آزادگان را خوشی تازه ببخش.
ببخش به ایمان از کف دادگان ایمان را، به کودکان اندیشه سالمندان را.
به سالمندان پاکی کودکان را، بیا ای گوهر شب چراغ، بیا امت خود را از گرفتاری
نجات ده.

بیا کتاب آسمانیت قرآن را از غربت خلاص کن، بیا منتظرانت را از انتظار رهایی
بخش، همانان که با یک دنیا عشق و محبت دعا گوی ظهورند.

دعا گوی ظهور

من دعا گوی ظهورم طلب درک حضورم

ولی در حجاب نورم (۲)

من که اینسان بی قرارم دعوی عاشقی دارم

تو را تنها نمی زارم (۲)

تو به قلب من حبیبی تو به درد من طبیبی

گرچه در عالم غریبی (۲)

قبیله جانم تویی تو روح و ایمانم تویی تو

تو امام انس

منتظر بر تو جهانی

تو سرور کاروان

همه عمرم سپری شد

حاصلش خون جگر

عشق تو آب حیاته

وعدۀ ما عمره

آری، وعدۀ ما عرفاته! وعدۀ ما در خازه

میانی انس و جان را به فریاد مظلومان جهان

هستی محقق گردد همان سرداری برای

می‌گزییم:

بیا مهدی ز قیامت

بیا ای رؤیای حقیقت! بیا ای ناخدای

ساحل خوشبختی رهنمون گردان.

بیا ای مسدوق وعدۀ الهی! بیا به مهدی

در میان مظلومان جهان بلند است، همانا

بیا تو ای صاحب زمان! بیا تو ای

الاعان، بیا ای ساعل روزگاری بخش

دنیای تاریک و فلک آبی، اشعبان را روش

بیا مگر نه این که درین پیروزی

بیا مهدی

«بیا مهدی که با تو آسمانیم

تو دریایی و ما رود روانیم» (۲)

اگر یک روز هم ابری ببارد

«تو خورشیدی و ما رنگین کمانیم» (۵)

«بیایی با موج، با دریا بخوانیم

بیایی با باد، در صحرا بخوانیم» (۲)

سرای شادی مادرت زهرا

«دعای وحدت و آزادی بخوانیم» (۲)

«یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا

یا ایها المؤمنون اتحدوا اتحدوا» (۳)

براستی چرا اتحاد؟ چون مهدی ان شاء الله می آید.

مهدی می آید

مهدی می آید، مهدی می آید، مهدی می آید (۲)

مهدی آل محمد می آید، می آید، می آید

منجی قرآن و مکتب، می آید، می آید، می آید

مهدی می آید..... (۲)

فرزند زهراى اظهر می آید، می آید، می آید

نوه رسول اکرم می آید، می آید، می آید

مهدی می آید..... (۲)

بوی خوش چون بوی عنبر می آید، می آید، می آید
 پدر همه یتیمان می آید، می آید، می آید
 مهدی می آید..... (۲)
 طیب همه مریضان می آید، می آید، می آید
 نیاز همه نیازها می آید، می آید، می آید
 مهدی می آید.....

بارالها! تو شاهد باش که این کلام، قلب باور ماست و این باور سالها به صورت
 جمله‌ای امیدوار کننده بر زبان منتظران جاری بوده و هست، همانان که سالهای
 سال گفته‌اند و تا سال ظهور خواهند گفت:

مهدیا! مهدیا! می آیی سال نو بیا، سال نو بیا، آمدنت مبارک، آمدنت مبارک.
 آری، منتظران باور دارند که بالأخره آن روز خجسته فرا خواهد رسید که دوران
 هجران به پایان رسد و اذن ظهور به فرمان خدای مهربان تحقق یابد، ما منتظران
 مهدی به امید همان فردا، همان روزهای مبارک زمان را پشت سر می‌گذاریم و در هر
 لحظه از زمان می‌گوییم:

مهدیا! مهر تو دریا و دل ما ماهی

ماهی از آب چو گردید جدا می‌میرد

مهدیا! زود بیا زود بیا کز اثر فسق و فجور

نور ایمان به خدا در دل ما می‌میرد

مهدی جان! ما مریضیم تویی بر همه خلق طیب

مریضت ندهی گر تو دوا می‌میرد

مهدی جان! تو گل مایی، می‌دانیم روزی که باز آیی، خوبی همه جا می‌گیرد،
زشتی همه می‌میرد، زشتی همه می‌میرد، زشتی همه می‌میرد.

مهدی جان! ما هم چنان تا روز ظهورت به خدای مهربان التماس خواهیم کرد به
امید آن که خداوند ما را مورد رحم و شفقت خود قرار داده و اذن ظهور را فرمان دهد و
همچنین امید است امام عصر و زمان که جان عالم و عالمیان به فدای اوست کرم
نموده و ملتسمان را دریابد و حاجت آنان را برآورد که می‌گویند:

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی کوثر، به جان مادرت زهرا، روا کن
حاجت ما را، روا کن حاجت ما را.

تویی مولا! ماییم سائل، روا اسان تو هر مشکل، بیا مولا، بیا مولا، روا کن
حاجت ما را، روا کن حاجت ما را.

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی

تویی سرور، تویی مولا، ماییم مجنون و سرگردان، بیا مولا، بیا مولا، روا کن
حاجت ما را، روا کن حاجت ما را.

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی

تویی دردم، تویی درمان، به جان مادرت زهرا، بیا مولا، بیا مولا، روا کن
حاجت ما را، روا کن حاجت ما را.

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی

مهدیا! به جان مادرت زهرا، روا کن حاجت ما را؛ زیرا نداریم از سر
کویت نشانه.

نگ از منتظران حضرت مهدی

ریت نشانه

که تا کردم به سوی تو روانه

بم که دارم

بسه لب از نغمه عشقت ترانه

م که جایی

مگر نسفی کنی پیش من آیی

خیری از من

شد خیدی باز هم بی استنایی

خوایسی

ک هدایسی، دردمندی، مبتلایی

سر طلبی

طلبیبا! از تو می خواهد روانی

می گذارم

بسه دستک پسان تو سر می گذارم

چسانی

بسه بر لب آمده چیزی ندارم

پیرم

بسه بر لب آمده چیزی ندارم

اگر خواهی نیشی ، عدم من

سه رام خد

گدایان بسر سر راحت نشینند

شخصی

نو هم یک گوشه چشم کن که آنان

به تو پیو

ای، ای مهدی صاحب زمان! منتظران به تو پیوسته

که چشم تو سر کش کرده دنبال گم‌ننده خود می‌گرد

مکان می‌گویند یا ابا صالح مدنی مولانا

یا ابا صالح مدنی، مدنی

همه به دنبال تو می‌گردم (ا)

یا ابا صالح مدنی مولانا

همه به دنبال تو می‌گردم (ب)

که سو سو لای من می‌جوئی

یا ابا صالح مدنی مولانا

دل خود زده‌ام گره بر در تو «چه شود برسم در محضر تو» (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

همه جا دنبال تو می‌گردم (۲) که تویی درمان همه دردم (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

من ناقابل به تو دل بستم نکشی دامان خود از دستم

به خدا هستی همه هستم «به تو دل بستم به تو وابستم» (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

همه جا دنبال تو می‌گردم (۲) که تویی درمان همه دردم (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

اگرم نبُود، دل لایق تو نظری که دلم شده عاشق تو

من ناقابل، به تو دل بستم «نکشی دامان خود از دستم» (۲)

یا ابا صالح مددی مولا....

دعای منتظر

تویی که راز خدایی، «خداکند که بیایی» (۲)

تو نور غیب نمایی، «خداکند که بیایی» (۴)

شب فراق تو جانان، خداکند که سرآید

سرآید و تو بیایی، «خداکند که بیایی» (۴)

خدا کند که نیاید، رمی که بی تو سرآید

تو روح صلح و صفایی، خدا کند که بیایی» (۴)

به گفتگوی تو دلها، به جستجوی تو دنیا

الا که هستی مایی، خدا کند که بیایی» (۴)

دل مدینه شکسته، حرم به راه نشسته

تو حجت خدایی، خدا کند که بیایی» (۴)

تو کعبه‌ای، تو عرفاتی، تو مشعری، تو منایی

تو مروه‌ای، تو صفایی، خدا کند که بیایی» (۴)

«خدا کند که بیایی» (۴)

آخر انتظار تا به کی؟ از هجر تو بیقرار تا به کی؟

سرگشتگی‌ها تا به کی؟ یابن الحسن فریاد رس.

یابن الحسن فریاد رس

یابن الحسن فریاد رس گوئیم: ما در هر نفس

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ای یاور غمدیدگان ای حامی درماندگان

یابن الحسن فریاد رس (۲)

پشت و پناه بی کسان بساز آی، ای آرام جان

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ای یادگار مصطفی ای نور چشم مرتضی

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ای طالب و مطلوب ما ای مونس و محبوب ما

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ای مهدی محبوب ما گوئیم: هر صبح و مساء

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ایسن المعز الاولیا عمری ز هجرت بی قرار

یابن الحسن فریاد رس (۲)

شاهها ز مهر و از وفا خونخواه شاه کربلا

یابن الحسن فریاد رس ...

یابن الحسن به پهلوشکسته مادرت زهرا به فریاد رس، به فریاد رس و از خداوند
بخوای تا هر چه زودتر اذن ظهور صادر شود و فجر صادق بدمد و با بشارت جبرئیل
امین صدای هلهله و تکبیر مستضعفان تا به عرش خدا برسد؛ زیرا منتظران بهر
دارند بالاخره آن روز مبارک فرا خواهد رسید که صالحان، منتظران، مظلومان عالم
سر و سینه زنان به استقبال مولای خود بشتابند، همانان که تا آن روز خطاب به
مولای عرش و فرش می گویند: یا ابا صالح التماس دعا.

التماس دعا

ایا صالح التماس دعا، هر کجا رفتی یاد ما هم باش
نجف رفتی، کاظمین رفتی، کربلا رفتی، یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا(۲)

مدینه رفتی به پابوسی قبر پیغمبر، مادرت زهرا
به دیدار قبر بی شمع مجتبی رفتی، یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا(۲)

زیارت نامه که می خوانی در کنار آن تربت خاموش
به دنبال قبر مخفی از کوچه ها رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا(۲)

بغل کردی قبر مادر را، جای ما هم او را زیارت کن
همان لحظه که بر احوالش، از نوا رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا(۲)

شب جمعه کربلا رفتی، یاد ما هم کن چون زدی بوسه
کنار قبر اباالفضل با صفا رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا(۲)

بزن بوسه جای ما روی فرق و لبهای اصغر و اکبر
سر قبر قاسم و قبر عمه ها رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا(۲)

برای بوسیدن آن دوردانه ها رفتی یاد ما هم باش
شوی مُحرم در مراسم حج یا منا رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا(۲)

بزن بر ما مهر تأیید و مهر ایمان و مهر طاعت را
دعا کردی از برای فرج، التماس دعا یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

به هنگام گریه‌های پر سوز و پر آهت وقت تنهایی
به یاد این سائل درب آستان باب العطا هم باش
ابا صالح التماس دعا...

یا ابا صالح! ما منتظران ظهورت تا روز حضور التماس و زاری خواهیم کرد به
امید آمدنت. یا ابا صالح ما منتظران لحظه‌ای غافل از غربت مظلومان عالم نخواهیم
بود؛ زیرا ما نیز غربت را تجربه کرده و این باور ماست: می‌رسد روزی که این هجران
تلخ به پایان رسد و زندگی نوین در سایه آن امام همام آغاز گردد و باید هم، چنین
بشارتی را باور داشت که نجات بخش مظلومان عالم خواهد آمد و این نویدی
خجسته است برای همه منتظرانی که در انتظارند، همانان که می‌دانند بالاخره
خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد.

خستگان عشق

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
غم مخور، آخر طیب دردمندان خواهد آمد
آنقدر از کوردگار خویش امیدوارم
که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
باغبانا! سختی دیماه سی روز است و آخر
نوبهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد
بلبلان شوریده را اندر خزان برگوننالد
باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهد آمد

صبر کن یا فاطمه! ای بانوی پهلو شکسته
 مهدیت با شیشه داروی درمان خواهد آمد
 آنقدر آخر منال از ضربت بازو و پهلو
 مونس تو، پادشاه دلنوازان خواهد آمد
 محسنت از ضربت مسمار، گریه مقتول گشته
 عنقریب، دادخواه بی گناهان خواهد آمد
 اصغر! از ضربت زخم گلو دل را مسوزان
 غم مخور مرهم گذار زخم پیکان خواهد آمد
 آری، امید است مرهم گذار زخم دل مظلومان عالم بیاید و به فریاد همه
 دردمندان و ستم کشیدگان برسد، همانان که می گویند:
 بارالها! همه از بی خودی خود دلتنگ، همه گویند: به صد آه و فغان.
 بارالها! تو به این زودی زود قائم آل محمد برسان.
 بارالها! قائم آل محمد را به مدد همه مظلومانی برسان که ندای دادخواهی
 ایشان بلند است و ما نیز با همه دوستداران آن حضرت برای به اجابت رسیدن
 دعاهایمان سرود السلام... را می خوانیم: به امید تعجیل در فرج آن بزرگوار.

السلام ایها القائم المنتظر

السلام ایها القائم المنتظر السلام ای جهاندار والا کهر (۲)
 بر تو ای یادگار محمد سلام بر تو ای نور قرآن سرمد سلام (۲)
 مهدی جان! مهدی جان! جانها همه فدایت
 مهدی جان! مهدی جان! کن عیان رخسار ماهت (۲)

کعبه را کن تکبیر ساهت
 «دست حـق پشت و پـناهت» (۲)
 کعبه را کن تکبیر گاهت
 «دست حـق پشت و پـناهت» (۲)
 العجل، العجل یا حجت بن الحسن (۴)
 «منتظران، منتظرن العجل
 ای نظر حق نظرت العجل» (۲)
 یا حجت بن الحسن عجل علی ظهورک...

العجل یوسف گم گشته بیا!

پهلوی فاطمه بشکسته بیا (۲)	العجل یوسف گم گشته بیا
تشنه چهره نیکوی تویم	مه‌دیا منتظر روی تویم
روز و شبها به تکاپوی تویم	روز عید است و ثناگوی تویم
	العجل یوسف... (۲)
ز چه از دیده ما پنهانی	تو گل انجمن خوبانی
درد دل‌های همه می‌دانی	ما که جسمیم و تو تنها جانی
	العجل یوسف... (۲)
منتظر بر سر بازار تویم	یوسفا جمله خریدار تویم
همه سرگشته رخسار تویم	همه دیوانه دیدار تویم
	العجل یوسف... (۲)
عکس رویت همه دلها دارد	گل روی تو تماشا دارد

چشم در راه تو دنیا دارد	انتظاری تو زهرا دارد
العجل یوسف... (۲)	
باعث راحتی جان همه	نظر لطف تو بر خوان همه
در رخت دیده گریان همه	مهر تو سایه ایمان همه
العجل یوسف... (۲)	
دل ما بر دل تو بسته بیا	هر دری بر روی ما بسته بیا
دل ما بر دل تو بسته بیا	هر دری بر روی ما بسته بیا
العجل یوسف...	

مژده ای دل، شام مشتاقان به سر خواهد رسید
وز پس این تیره شب، تابان سحر خواهد رسید
ای زبان کم شکوه کن، از تلخی ایام هجر
دوره‌ای شیرین تر از شهد و شکر خواهد رسید
دیگر ای چشم، از اسف بر ما مکن طوفان نوح
که آرزوی دل، امید جان زدر خواهد رسید
دیگر ای یعقوب! سیل اشگ در دامن مریز
یوسف گم گشته خندان از سفر خواهد رسید /
نا امید و خسته در صحرا میپوی ای کاروان
رهبر گم گشتگان در به در خواهد رسید

آری، رهبر گم گشتگان در به در خواهد رسید و این ندای هر منتظر چشم به راهی
است که خطاب به ولی عصر و زمان می گوید:

یابن الحسن، یابن الحسن

دیـده من قابل، دیدن روی تو نیست (۲)

هیچ گلی در جهان به عطر و بوی تو نیست (۲)

یابن الحسن، یابن الحسن (۲)

جان به فدایت کنم رخ بنما در برم (۲)

یابن الحسن عشق من، به غیر روی تو نیست (۲)

یابن الحسن، یابن الحسن (۲)

در پی تو روز و شب، به کوی و برزن روم (۲)

شیعه نباشد آن کس، به جستجوی تو نیست (۲)

یابن الحسن، یابن الحسن (۲)

می طلبم من تو را، به مادرت فاطمه (۲)

طالب طلب ندادن به شأن و خوی تو نیست (۲)

یابن الحسن، یابن الحسن...

یابن الحسن! ای امام زمان! برستی که طالب طلب ندادن در شأن و خوی تو

نیست؛ زیرا تو خوب می دانی شب و روز منتظران و دوستدارانت غرق در غم و اندوه

گشته، همانان که هر صبح و شام می گویند:

مهدیا! ای تنها ناخدای کشتی نجات بیا، مهدیا! بیا تا حسین حسین بگیریم بریم

کربلا، بگیریم حسین دروانما به روی ما ای امام.

اماما! می دانیم بالاخره این آرزو به سر منزل خواهد رسید و چتر الطاف الهی بر

سر همگان سایه خواهد گسترد به امید آن که نظام توحیدی در سرتاسر جهان برقرار

شود و به امید حق، خداوند ما را یاری می‌رساند تا بر مرکب انسجام و اتحاد از آخرین تونل به درآییم و به فضای باز و روشن حیات نوین قدم گذاریم.

آری، نمی‌دانیم آن روز کی فرا خواهد رسید ولی امید داریم که خداوند به بیچارگان درمانده، به آوارگان دربه‌در، به بیماران دل شکسته، به همهٔ بندگان در جای جای دنیا رحم کرده و هر چه زودتر اذن ظهور را صادر فرماید تا تو بتوانی بیایی، بیایی و با منتظرانت همسفر شوی تا همگی به کربلا رویم و بگوییم: ای کربلا! ای کربلا! ای تربت خونین حسین! عازم دیدار تو اند قافلهٔ پیر خمین.

آری، به همگان بگوییم: با خبر باشید ره قدس از کربلاست پس به پا خیزید به یاری صاحب زمان... باید بی باک در جهاد حاضر شویم و بگوییم: ای حسین!

ای اطلس خون عشق تن پوشه تو هیئات من الذلة ره توشه تو

فردا به گلاب دیدگان می‌شویم گردی که گرفته قبر شش گوشه تو

ای حسین فاطمه! به حرمت مادرت زهرا شفیع شو و به فریاد بی‌کسان رس که چشم امید به شما دارند و دست به دامان شما عزیزان شده‌اند، شما را به خدا قسم همگان را یاری دهید، یاری دهید تا صبح پیروزی.

باشد به ذات اقدس خدای متعال دعای ما بینوایان عالم به اجابت رسد و ظهور پر میمنت یگانه منجی عالم بشریت هر چه زودتر محقق گردد تا در سایهٔ پرچم توحید حیات دوباره یابیم و باور داریم آخر شب تار ما سحر می‌گردد، این ناله و آه ما اثر می‌گردد.

سوگند به آن چهارده آیه نور، آن سید سبز پوش برمی‌گردد، برمی‌گردد.

آمین یا رب العالمین برحمتک یا الرحمین

فهرست

- ۵ ای ماه نمونه
- ۷ ای مردم
- ۱۰ زبان حال نادمین
- ۱۱ کی می آیی؟
- ۱۱ حسرت دیدار
- ۱۳ یا مهدی مدد
- ۱۴ گل نرگس
- ۱۵ دعاگوی ظهور
- ۱۷ پیام مهدی
- ۱۷ مهدی می آید
- ۲۰ زبان حال هر یک از منتظران حضرت مهدی (عج)
- ۲۱ یا ابا صالح مددی مولا
- ۲۲ دعای منتظر
- ۲۳ فریاد رس
- ۲۴ التماس دعا
- ۲۶ خستگان عشق
- ۲۷ السلام ایها القائم المنتظر
- ۲۸ العجل یوسف کم گشته بیا!
- ۳۰ یابن الحسن، یابن الحسن